

همه مشکتابه و در نظر شهود آتشان می آید و میدانند که در عالم اول  
حوادث چه واقع میشود و اما بر احوال موفقی که کسی مطلع میگردد تو  
نادان یکی از جمهور احوال اهل فنبر ظهور میکنند و نشاء سوم  
حشرست که نشاء این عصری مشابه نشاء دسوی و عجایب و احکام  
آن در آن نشان کرد مگر بنور ایمان پاکشفت و عجایب قال الله تعالی  
هی چیز واحد فاذا هم بالساهه وقال جلد و علا فموت شد وقت  
الواقعة و انتفت السماء هه زین حشر و جمع هه است است و  
واقع روز قیامت و از عجایب آن روز یکی آنست که سخته با طایفه  
بخواه هزار سال نماید و بنیاس محمی دیگر یک لحه در نظر آید و خون  
غیب وجود حق نعمت بکند عدم بصرفه تعیینی را چهل کی که  
سماست این عالم نهایی و انقراضی بود و تعیینات متواتر  
منقضی شود که آن سماست بطاقت الکبری و نشاء آخری که هم تعیینات  
در آن روز بره عدم روند و بنامی خوشنود خوانند که در جبر  
که حق نعم همه موجودات را حتی ملائکه و ملک الموت را هر چه بپرانند  
و باز برای فصل و فضا موجود کردند و لمیکن محجوب مکان و زمان  
فناهی چیزی که عمران دهور بود و از زمان فراوان تصدیق بنامید  
و در نظر و مقبول بناید کلا سبعلون شکرکلا سبعلون بطور  
ادم جو بود زمین آب و گل در عالم بر رخ کند اول منزل  
در حث جو روح باید شد و اصل پند همه خیر و شر خود را حاصل  
شنا

بفناح فمات سرد و نوعی با اتفاق جمهور است انفسی است و افانی  
و نیز بعضی از ارباب معرفت هر یک از این دو نوع را چهار صفت  
و کبری و وسطی و عظمی اما بنیات انفسی صغری وی آنست که حکم  
قبل آن فمات بر زمین الهی نوبه کند از بناهی و ملاهی و نیش  
از لذات و نوحه و شهورات فیجه عوت اختیار می میراند و با اعمال  
صیاحه و صفات منکله مطین و زنده گرداند و وسطی وی آنست  
که بموجب ابدان همی الدنیا و فلور همی فی الاخره روح ساکن در بدن  
گزیده از عالم ملک و یکا شفات صوری و نیز یک شتر و بهای ملک  
و مشاهدات معجزه و کبری وی آنکه بر طبق و نوحه فی الصور  
سن فی السموات و سن فی الارض الامن بنا الله از عالم ملکوت  
و ارواح طاهره اشغال باید و بر وفق شرفخ فیه اخری فاذا هم  
نیام بطرون بهای جبروت و اعیان ثابتنه اتصال باید و عظمی  
آنکه عنفضای انا لله و انا الیه راجعون از جمع کثرات جسمانی و تعیینات  
روحانی و بصورتات اعیانی در کنند و بهای لاهوت و وحده صرف  
رسیده فانی شود و حق حقیقی بقا الله زنده جاودانی گردد و اما بنیات  
افانی صغری وی بخلد اینست در هر طرفه العین نظر باید  
و بنسبه با جمع عالمی آنکه لذت کثرت کثرت ان فانهم و وسطی وی  
سوت طبیعی احوال است بموجب سن فاک فضل فاکت قیامت